

نقدی بر مقاله

«رسم المصحف، ویژگی‌ها و دیدگاه‌ها»^۱

جواد آسه

کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن از مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۵/۱۱

در این مقاله به نقد و بررسی ادله نگارنده بر توقیفی بودن رسم‌الخط قرآن پرداخته شده، و این نتایج به دست آمده است: ۱. رسم‌الخط قرآن توقیفی نیست. ۲. اصطلاح رسم‌الخط عثمانی صحیح است. ۳. می‌توان بخش قابل توجهی از دلایل اختلاف نگارش کلمات در رسم‌الخط قرآن را بر اساس اختلاف قراءات آشکار ساخت. ۴. اختلاف نگارش کلمات در رسم‌الخط قرآن بر اساس معنی نیست، بلکه چه بسا بتوان بخش عمده‌ای از آن را زائیده اختلاف قراءات دانست. ۵. به نظر می‌رسد همان‌طور که قرآن در به کارگیری ادبیات عرب شیوه‌ای نو در نینداخته است در نگارش قرآن نیز چنین کرده و چون و چند آن را به مردم وانهاده است.

کلید واژه‌ها: رسم‌الخط قرآن، توقیفی بودن رسم‌الخط قرآن، رسم‌الخط عثمانی، رسم‌الخط عثمان طه، اختلاف قراءات.

۱. مقاله «رسم المصحف، ویژگی‌ها و دیدگاه‌ها» به قلم فاضل ارجمند آقای محسن رجبی در شماره ۱۰۴ مشکوة - پاییز ۱۳۸۸ - چاپ شده است.

علم رسم المصحف یکی از موضوعات علوم قرآن است. در رسم المصحف سخن درباره چگونگی نگارش کلمات در کتابت قرآن در عصر نزول قرآن است. قرآن پژوهان و محققان درباره آن بحث‌های فراوانی کرده‌اند. برای نمونه در البرهان زرکشی نوع ۲۵، در الاتقان سیوطی نوع ۷۶، در مباحث فی علوم القرآن صبحی صالح ص ۲۷۵، در مناهل العرفان زرکانی ص ۲۰۴، در التمهید فی علوم القرآن علامه معرفت ج ۱، ص ۳۶۱ تحقیقاتی در چون و چند رسم الخط قرآن به ثمر رسیده است. به ویژه در کتاب رسم الخط مصحف (از غانم قدوری الحمد، ترجمه یعقوب جعفری) که در آن به تمامی جوانب این بحث، پرداخته شده است.

در کتاب‌های مزبور درباره رسم الخط قرآن دو دیدگاه مطرح شده است. دیدگاه اول، که صاحب التمهید فی علوم القرآن یکی از قائلان آن است، این است که رسم الخط به کار رفته در قرآن توقیفی نیست و در آن اغلاط و تناقضات زیادی به چشم می‌خورد که باید تصحیح و بر اساس رسم الخطی که اکنون در زبان عربی رایج است بازنگاری گردد. دیدگاه دوم، که

صاحب مناهل العرفان یکی از قائلان آن است، بر این باور است که رسم الخط به کار رفته در قرآن توقیفی و بر اساس حکمت و دارای معنی است.

در مقاله «رسم المصحف، ویژگی‌ها و دیدگاه‌ها» نگارنده آن کوشیده تا اثبات کند که رسم الخط قرآن توقیفی است. در این مقاله پس از بیان مقدمه کوتاه و به دست دادن تعریف علم رسم المصحف و اشاره به نخستین کتاب‌هایی که درباره رسم المصحف نوشته شده، به طرح، نقد و تأیید دیدگاه‌هایی پرداخته که درباره اختلافات موجود در رسم المصحف بیان شده است. مجموعاً به شش دیدگاه، در مقاله مزبور اشارت رفته است:

۱. اختلاف و تنوع در رسم الخط قرآن ناشی از اشتباه کاتبان وحی است.
۲. اختلاف به دلیل کم سواد کاتبان وحی و ضعف خط و ابتدایی بودن آن بوده است.
۳. رسم الخط قرآن تحت تأثیر اختلاف قرائت قاریان مشهور در بازه سال سی تا سده چهارم قمری است.
۴. ویژگی‌های رسم الخط قرآن بازتاب حفظ سنت‌های نگارشی خط عربی متقدم

و تغییر محیط زبانی است.

۵. رسم الخط قرآن مجید توقیفی است.
۶. اختلاف رسم الخط قرآن به سبب اختلاف معنی بوده است.

بجز دیدگاه‌های ۵ و ۶ که نگارنده مقاله مزبور آن‌ها را پذیرفته است، بقیه دیدگاه‌ها مورد نقد و بررسی وی قرار گرفته است. او در پایان نتیجه می‌گیرد که رسم الخط قرآن توقیفی و غیر قابل تغییر است. ما در این مقال به نقد و بررسی ادله نگارنده بر توقیفی بودن رسم الخط قرآن می‌پردازیم.

نقد توقیفی بودن رسم الخط قرآن

نگارنده پس از نقل سخن نظام الدین حسن نیسابوری و شیخ عبدالعزیز دباغ در توقیفیت رسم الخط قرآن شواهد و قراینی را در راستای تأیید توقیفی بودن رسم الخط قرآن می‌آورد که ما در ذیل هر عنوان به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۱. وحی: نگارنده پس از نقل معنای وحی از راغب اصفهانی به این حدیث «تعلمت القرآن فی سنة و الوحی فی ثلاث سنین» از حارث اعور اشاره می‌کند. نگارنده الوحی را به معنای «رسم الخط و کتابت قرآن» می‌گیرد و بنا بر این معنی

می‌گوید که بعید نیست در دل وحی، رسم الخط آیات نیز تعلیم داده شده باشد.

اولاً رامیار در کتابش تاریخ قرآن - که نگارنده این حدیث و معنای الوحی را از آن‌جا نقل کرده است - وحی را کتابت و خط، معنی می‌کند.^۱ وانگهی در لسان العرب در توضیح این روایت چنین آمده که گوینده این حدیث صرفاً در صدد بیان سختی فراگیری کتابت و خط است. به همین دلیل گفته است که من قرآن را در یک‌سال، اما کتابت و خط را در سه سال آموختم.^۲ پس الوحی در حدیث مزبور نمی‌تواند به معنای رسم الخط و کتابت قرآن باشد؛ آن‌گونه که نگارنده استفاده کرده است. برخی نیز آن را به معنای حدیث دانستند^۳ که در این صورت سخن نگارنده مقاله کاملاً نادرست خواهد شد.

۲. املا و تعلیم حرف به حرف پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله به کاتبان وحی: نگارنده بر این باور است که پیامبر صلی الله علیه و آله آیین نگارش قرآن را به کاتبان وحی تعلیم می‌فرمودند. در این راستا به سخن زید ابن ثابت اشاره می‌کند

۱. رامیار، تاریخ قرآن، ص ۷۸.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۴۰.

۳. السید محسن الامین، أعیان الشیعه، ج ۴، ص ۳۶۷.

که آن حضرت به او می فرمودند در نوشتن بسمله سین را واضح و روشن بنگار. یا این که باء بسم الله را کشیده و بلند بنویس. میم را کور و توپر بنویس.

سخن در رسم الخط قرآن، بر سر این نکات نیست که اشاره شد، بلکه سخن در این است که آیا پیامبر ﷺ درباره نوشتن کلمات مثلاً جدا یا سرهم نویسی فرمایشی داشتند یا خیر؟

وی در ادامه می نویسد که زید بن ثابت گوید: «رسول خدا ﷺ» (فهرن مقبوضه) را بدون «الف» بر من اقرا فرمودند و من نیز آن را بدون «الف» کتابت کردم».

اولاً از این سخن فقط این نکته برمی آید که کلمه «رهن» را نباید به صورت «رهان» قرائت کرد. ثانیاً فراز «و من نیز آن را بدون «الف» کتابت کردم» را در منبعی که نگارنده ذکر کرده، نیافتیم.

۳. مقابله و بررسی کتابت: نگارنده سخنی را از زید بن ثابت نقل می کند که او گفته وقتی من از نگارش آیاتی که پیامبر ﷺ بر من املا می فرمود فارغ می شدم به دستور آن حضرت آنچه را که نوشتم برای ایشان می خواندم تا حیثاً اگر دچار لغزش یا فراموشی شدم، اصلاح یا جبران گردد.

از این سخن زید بن ثابت عکس مطلبی که نگارنده استفاده کرده، استفاده می شود، بدین صورت که آن حضرت فقط به زید می فرمودند که آنچه نگاشته برای او بخواند. پس پیامبر ﷺ فقط در صدد این بودند که آنچه را زید نوشته، صحیح و بی غلط باشد. آن حضرت نسبت به رسم الخط آیات مثلاً آیا کلمات جدا نوشته شده یا سرهم حساسیتی به خرج نمی دادند. آنچه برای ایشان اهمیت داشت قرائت بی غلط آیات بود.

۴. ترغیب به نگارش قرآن و عرضه

مصحف: نگارنده می نویسد پیامبر ﷺ صحابه و مردم را در کنار فراگیری شفاهی قرآن بر فراگیری نوشتن نیز ترغیب می فرمودند؛ چه این که قرائت از روی مصحف، و نگارش مصحفی برای خود سبب انس و تحکیم آموخته ها در ذهن و زبان قرآن آموز خواهد شد.

آیا می توان از این بیان چنین نتیجه گرفت که رسول اکرم ﷺ رهنمودهایی در چون و چندان آیین نگارش آیات داشتند؟

۵. غرائب قرآن: پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «تعلّموا القرآن و تعلّموا غرائبها»، یا «تعلّموا القرآن و التمسوا غرائبها»، یا

«اعربوا القرآن واتبعوا غرائبه و فرائضه و حدوده»؛ یعنی قرآن و غرائب آن را فراگیرید. مراد از غرائب در این روایات از دیدگاه مشهور، کلمات غریب قرآن است. نویسندگان در وهله نخست در ذهن خود رسم الخط قرآن را امر غریبی دانسته؛ یعنی صورت نوشتاری برخی از کلمات از شکل معمول و متداول خود تغییر داده شده‌اند.^۱ آن‌گاه رسم الخط قرآن را نیز یکی از مصادیق غرائب قرآن برشمرده است. گیریم که چنین باشد این چه ربطی به توقیفیت رسم الخط قرآن دارد؟!

۶. کتاب عزیز: در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾ (فصلت/۴۱) کتاب، عزیز یعنی غیر قابل نفوذ و تأثیرناپذیر دانسته شده است. تفسیر عزیز بودن کتاب، در آیه ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ (فصلت/۴۲) اشاره شده است. نگارنده فراز «مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ» را مربوط به زمانی می‌داند که وحی بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرودرستاده می‌شود و آن‌گاه آن حضرت بر کاتبان وحی املا می‌فرماید.

وی می‌خواهد از این بیان این نتیجه را بگیرد که رسم الخط قرآن نیز بر آن حضرت وحی می‌شود و ایشان همراه اقرء آن را به کاتبان می‌آموزند^۲ و بدین ترتیب و با تمهیداتی که اندیشیده شده است باطلی چه به هنگام املا و چه پس از آن در قرآن و رسم الخط آن رخنه نخواهد کرد.

اولاً پیش از این گفتیم که وحی را نمی‌توان به معنای «رسم الخط و کتابت قرآن» دانست.^۳ ثانیاً این که به وقت املا آیات از سوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر کاتبان وحی، خللی در رسیدن صحیح محتویات وحی به کاتبان ایجاد نمی‌شد امر درستی است، اما این که کاتبان وحی آنچه را که می‌شنیدند به درستی ثبت و ضبط می‌کردند دلیلی بر آن وجود ندارد و احتمال لغزش و فراموشی از آن‌ها بی‌مورد و بی‌وجه نخواهد بود. چنان‌که نگارنده ذیل عنوان «مقابله و بررسی کتابت» از زید بن ثابت آورده است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از پایان املا از او می‌خواستند که آنچه نوشته است برای آن حضرت بخواند تا اگر در چیزی دچار لغزش یا فراموشی شد، اصلاح یا جبران

۱. محسن رجبی، رسم المصحف، ویژگی‌ها و دیدگاه‌ها، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. همان، ص ۲.

گردد.^۱

۷. نهی از نگارش قرآن از حفظ:

نگارنده در توضیح این عنوان چنین آورده است که صحابه بر این امر تأکید می‌ورزیدند که قرآن را باید از روی مصحف الگو بازنویسی کرد تا رسم الخط قرآن در آن مواردی که با قرائت متفاوت است بدون هیچ اختلاف و آشوبی تثبیت و تبلیغ گردد.

هیچ دلیلی بر این که رسم الخط این مصاحف الگو، از سوی پیامبر باشد، وجود ندارد و آنچه نگارنده در این باره آورده است، مورد نقد و بررسی قرار دادیم.

۸. تقریر رسول خدا و ائمه

اهل بیت علیهم السلام، و اجماع صحابه و تابعین: نگارنده بر این اعتقاد است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر کتابت کاتبان وحی نظارت و اشراف دقیق داشتند. پس تقریر آن حضرت و ائمه اهل بیت علیهم السلام و همچنین اجماع صحابه و امت اسلام در زمان تابعین و ائمه مجتهدین دلیل بر توقیفی بودن رسم الخط قرآن است.

ما هم بر این باوریم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱. محسن رجبی، رسم المصحف، ویژگی‌ها و دیدگاه‌ها، ص ۳۵.

بر روند کتابت قرآن و عمل کاتبان اشراف و نظارت دقیقی داشتند، اما این دلیل نمی‌شود که در هنگام وحی آیات به آن حضرت، شیوه نگارش آن‌ها نیز بر ایشان وحی می‌شد و بدین ترتیب آن حضرت رسم الخط جدیدی را رقم زده باشند؛ زیرا بر اساس این بیان به کاتبان وحی آیین نگارش آیات از سوی آن حضرت آموزش داده می‌شد و آنان موظف بودند فقط بر اساس این رسم الخط قرآن را بنگارند.

تا این جا تمامی دلیل‌هایی را که نگارنده بر توقیفیت رسم الخط قرآن آورده است نقد و بررسی کرده‌ایم. به این نقدها باید این نقد را افزود که در زمان خلافت عثمان در قرائت و رسم الخط قرآن اختلافات سختی در گرفت. وی تصمیم گرفت با توحید مصاحف به این نزاع‌ها و بحث‌ها پایان دهد. سخنی که در این جا قابل طرح و بررسی است این است که آیا عثمان در رسم الخط قرآن دخل و تصرفی کرده است یا خیر؟ نگارنده بر آن است که عثمان رسم الخط قرآن را تغییر نداده است و قرآن را بر اساس رسم الخط مصحفی که با اشراف پیامبر صلی الله علیه و آله نوشته‌اند، بازنویسی کرده است. وی می‌افزاید که چون عثمان تغییری در رسم الخط نداده پس به کار بردن کلمه

رسم الخط العثماني نادرست است.

در قرآن‌هایی که به خط عثمان طه، خطاط شهیر سوری، نگارش شده و گفته می‌شود بر اساس رسم الخط عثمانی است، مواردی را می‌یابیم که اثبات می‌کند عثمان در رسم الخطی که با اشراف پیامبر ﷺ نگاشته شده، تغییراتی ایجاد کرده است. بر اساس آنچه گفته‌اند هدف عثمان از توحید مصاحف پایان دادن به اختلافات در قرائت و رسم الخط قرآن بود.^۱ به همین دلیل عثمان با حفظ رسم الخطی که با اشراف پیامبر ﷺ نگاشته شده بود، برای خاموش کردن آتش اختلافات بر اساس دلایلی که برای خود او حجّت‌آور بود از میان قرائت‌های مختلف آن زمان، چند قرائت را برگزید و برای آن که رسم الخط قرآن همه آن‌ها را پوشش دهد کلماتی را که در آن‌ها اختلاف قراءات وجود داشت به گونه‌ای نگاشتند که تاب خوانش همه آن قراءات را داشته باشد^۲ و چون در زمان حیات پیامبر

اکرم ﷺ مردم قرآن را بر اساس یک قرائت که همان قرائت آن حضرت بود قرائت می‌کردند پس می‌توان این نتیجه را گرفت که این نوع از نگارش کلمات، در زمان عثمان به وجود آمد. در ذیل به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

نمونه اول: در قرآن فقط در چهار مورد پس از کلمه «تَمُود» «الف» نوشته شده است. اولی در آیه ﴿كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ تَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِتَمُودٍ﴾ (هود/۶۸)، دومی در آیه ﴿وَ عَادًا وَ تَمُودًا وَ أَصْحَابَ الرَّسِّ وَ قُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا﴾ (فرقان/۳۸)؛ مورد سوم در آیه ﴿وَ عَادًا وَ تَمُودًا وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾ (عنکبوت/۳۸)؛ و مورد چهارم در آیه ﴿وَ تَمُودًا فَمَا أَبْقَى﴾ (نجم/۵۱) می‌باشد. علت آن این است که کلمه «تَمُود» در موارد یاد شده بر اساس قرائتی غیر منصرف یعنی به فتح و بر اساس قرائتی دیگر منصرف و به نصب قرائت شده است.^۳ نگارش «الف» پس از کلمه «تَمُود» برای نشان دادن قرائتی است

۱. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۷۸ به بعد.

۲. زرقانی، مناهل العرفان، ص ۲۰۷. غانم قدوری الحمد بر این باور است که عثمان در توحید مصاحف، قرآن را بر اساس یک قرائت نگاشته است. (بنگرید به: رسم الخط مصحف، ص ۱۳۹).

۳. برای نمونه بنگرید به: عمر و مکرم، معجم القراءات القرآنیة، ج ۴، ص ۲۸۶.

که آن را منصرف و به نصب قرائت کرده است. اما قرائتی که آن را غیر منصرف و به فتح قرائت کرده است «الف» پس از کلمه «ثمود» را ناخوانا به حساب می‌آورد و آن را نمی‌خواند، چنان‌که در قرآن‌های به خط عثمان طه روی این «الف» یک دایره توخالی نهاده‌اند که نشان‌دهنده ناخوانا بودن آن است. بنابراین اگر این «الف» را پس از کلمه «ثمود» نمی‌نوشتند این کلمه تنها تاب یک قرائت را می‌داشت.

نمونه دوم: حفص کلمه «نُجی» در آیه ﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾ (انبیاء/۸۸) را به صورت «نُجی» خوانده است^۱، اما در قرآن‌های به رسم الخط عثمان طه آن را به صورت «نُجی» نوشته‌اند. به نظر می‌رسد دلیل آن این باشد که در قرائتی دیگر آن را به صورت «نُجی» قرائت نموده‌اند.^۲ برای آن‌که در رسم الخط هر دو قرائت را به نحوی نشان دهند و چون در آن زمان قرآن را بدون اعراب می‌نوشتند آن را به صورت «نجی» نوشتند. در این صورت آن را می‌توان به هر دو قرائت، خواند. البته آن که

آن را به صورت «نُجی» می‌خواند، می‌تواند بر اساس این قرائت در رسم الخط آن یک «ن» بیفزاید، چنان‌که در قرآن‌های به رسم الخط عثمان طه می‌بینیم. اما چون کلمه «نُجی» را در آیه ﴿ثُمَّ نُجِّي رَسُولَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ بر اساس یک قرائت به صورت «نُجی» و بر اساس قرائت دیگر به صورت «نُجی» قرائت کرده‌اند^۳ به همین دلیل آن را به صورت «نُجی» در سوره انبیاء نوشته‌اند و تفاوت نگارش این دو فعل در این دو آیه می‌تواند به علت پیش گفته باشد.

نمونه سوم: در آیات ﴿وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا﴾ (نبا/۱۳) و ﴿وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾ (احزاب/۴۶) و ﴿وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا﴾ (نوح/۱۶) در کلمه «سراجا»، پس از حرف «راء»، «الف» را نوشته‌اند. اما در آیه ﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا﴾ (فرقان/۶۱) در کلمه «سراجا» پس از حرف «راء»، «الف» را ننوخته‌اند. علت آن این است که کلمه «سراجا» را در آیه ۶۱ فرقان به دو

۱. بنگرید به: همان، ص ۱۴۷.

۲. بنگرید به: همان.

۳. بنگرید به: عمر و مکرّم، معجم القراءات القرآنية، ج ۳، ص ۹۴.

صورت قرائت کرده‌اند. بر اساس یک قرائت آن را به صورت «سراجا» و بر اساس قرائت دیگر آن را به صورت «سُرْجا» خوانده‌اند.^۱ در آیه ۶۱ فرقان برای آن که در رسم الخط، هر دو را نشان دهند آن را بر خلاف آیه ۱۳ نبأ، ۴۶ احزاب و ۱۶ نوح بدون «الف» و به صورت «سراجا» نگاشته‌اند؛ زیرا اگر آن را با «الف» و به صورت «سراجا» می‌نگاشتند به قرائت دیگر اشاره نمی‌شد. چون در قرائت کلمه «سراجا» در آیه ۱۳ نبأ، ۴۶ احزاب و ۱۶ نوح اختلافی وجود ندارد آن را با «الف» و به صورت «سراجا» نگاشتند.

نمونه چهارم: کلمه «بأید» را در آیه ﴿وَالسَّمَاءَ بَيْنَهُمَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات/۴۷) با دو «یاء» به صورت «بأیید»، اما در آیه ﴿اصبر علی ما یقولون واذکر عبدنا داود ذال الأیدِ إِنَّهُ أُوَاب﴾ (ص/۱۷) با یک «یاء» نگاشتند. دلیل آن این است که در آیه ۴۷ ذاریات کلمه «بأید» را به دو صورت قرائت کرده‌اند. در یک قرائت همزه را بدون تسهیل اما در قرائت دیگر آن را با تسهیل و به صورت «یاء» مفتوحه

خوانده‌اند.^۲ برای آن که به قرائتی که در آن همزه را تسهیل کرده‌اند در رسم الخط اشاره کنند کلمه «بأید» را با دو «یاء» و به صورت «بأیید» نوشتند. در قرآن‌های به رسم الخط عثمان طه که بر اساس قرائتی که کلمه «بأید» را بدون تسهیل همزه خوانده‌اند اعراب گذاری کرده‌اند روی یکی از «یاء»ها دایره تو خالی قرار داده‌اند تا نشان دهند که یکی از «یاء»ها را نباید خواند. اما در آیه ۱۷ ص کلمه «بأید» را با یک «یاء» نوشتند؛ زیرا اختلافی در قرائت آن نبود. نمونه‌های فراوان دیگری وجود دارد که ما به همین چهار نمونه بسنده می‌کنیم.

سخن پایانی

با توجه به این که در تمامی ادله نگارنده درباره توقیفی بودن رسم الخط قرآن خدشه کردیم، بر اساس نمونه‌هایی که مبنی بر تغییر رسم الخط توسط عثمان آوردیم، موارد ذیل به دست می‌آید:

۱. رسم الخط قرآن توقیفی نیست. بنابراین می‌توان برای آسان‌سازی قرائت قرآن، آن را تغییر داد.

۱. بنگرید به: همان، ج ۴، ص ۲۹۲.

۲. بنگرید به: همان، ج ۶، ص ۲۴۹.

۲. اصطلاح رسم الخط عثمانی، بی‌اشکال است.

۳. به نظر می‌رسد همان‌طور که قرآن در به کارگیری ادبیات عرب شیوه جدیدی در پیش نگرفته، در رسم الخط نیز چنین کرده و آن را به آنچه در میان مردم عصر نزول قرآن رایج بوده، وانهاده است.

۴. اختلاف موجود در رسم الخط قرآن بر اساس اختلاف معنی نیست، بلکه می‌توان گفت بخشی از آن بر اساس اختلاف در قرائت‌هاست.

۵. می‌توان بخش زیادی از دلایل اختلاف در نگارش کلمات قرآن را بر اساس اختلاف قرائت‌ها روشن ساخت.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
۳. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، به کوشش احمد شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.

۴. عمر، احمد مختار؛ مکرم، عبدالعال سالم، معجم القراءات القرآنیة، مع مقدمه فی القراءات و اشهر القراء، ایران، انتشارات اسوه، ۱۴۱۲ق.

۵. قدوری الحمد، غانم، رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، اسوه، ۱۳۷۶ش.

۶. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسة التمهید، ۱۳۸۸ش.

۷. الصالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.

۸. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

۹. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش مصطفی عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.

۱۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، ایران، منشورات الشریف الرضی، بی‌تا.

۱۱. الامین، السید محسن، أعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.